

مقاله‌ها» در ۱۳۵۶ ش در تهران منتشر شده است (نک: همان‌جا؛ میرانصاری، ص ۲۱۵-۲۲۰). در میان آثار پروین، ترجمه عالمانه او از مقدمه ابن خلدون (۱۳۳۶ ش) شهرتی خاص دارد. محمد جعفر محجوب (ص ۴۱۴) معتقد است که «ترجمه فارسی این کتاب دقیق‌ترین و از نظر علمی بالرزش‌ترین نسخه کتاب در جهان است»، زیرا مترجم نخست، نسخه‌های خطی مختلف عربی را تصحیح و سپس متن مصحح را با نتری فصیح و روان به فارسی ترجمه کرده است (محجوب، ص ۴۲۰-۴۲۲). پروین در نثر شیوه‌ای خاص خود داشت و، با وجود تپخ در ادب عربی، از به کار بردن ترکیبات عربی پرهیز می‌کرد (جشن‌نامه پروین گتابادی، ص هشت‌مُه).^۱

در میان دست‌نوشته‌هایی که از پروین باقی مانده است حجم بسیار زیادی به شعر اختصاص دارد. همچنین او با برخی شاعران معاصر مشاعره و مکاتبهٔ منظوم داشته است (نک: پروین گتابادی، گزینه مقاله‌ها، ص ۵۲۰-۵۲۱) و با اینکه خود راضی به اشتهرار در شعر نبود، اما در نخستین کنگره نویسنده‌گان ایران در تیرماه ۱۳۵۵ ش از سبک و شیوهٔ شاعری او سخن به میان آمده است (نخستین کنگره نویسنده‌گان ایران، ص ۳۵، ۳۷؛ ملایی، همان‌جا).

پروین با اینکه در سالهای پایانی عمر در بستر بیماری بود، اما تا آخرین روزهای زندگی از کار علمی دست نکشید و سرانجام در اول شهریور ۱۳۵۷ ش در تهران درگذشت.
منابع: پروین گتابادی، محمد، «پروین گتابادی، خادم زبان و ادب فارسی»، کتاب امروز، بهار ۱۳۵۲ ش؛ همو، «زندگی نامه خودنوشت»، راهنمای کتاب، س ۱۷، ش ۱۰-۱۲، اسفند ۱۳۵۳ ش؛ همو، گزینه مقاله‌ها، تهران ۱۳۵۶، ش؛ جشن‌نامه محمد پروین گتابادی، سی و دو گفتار در ایران‌شناسی، به کوشش محسن ابوالقاسمی و محمد روشن، تهران، ۱۳۵۴ ش؛ سجادی، ضیاء‌الدین، «نشست با بزرگان»، ملاقات با ضیاء‌الدین سجادی، مجله ادبیات معاصر، س ۱، ش ۵ و ۶، شهریور و مهر ۱۳۷۵ ش؛ محبوب، محمد جعفر، خاکستر هستی، تهران، ۱۳۸۸ ش؛ ملکی، زهرا، «یادی از خادم زبان فارسی، محمد پروین گتابادی»، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، س ۲، ش ۹، آذر ۱۳۸۶ ش؛ میرانصاری، علی، استنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران، دفتر سوم، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ نخستین کنگره نویسنده‌گان ایران (تیرماه ۱۳۵۵ ش)، تهران ۱۳۲۶ ش. بهرام پروین گتابادی

تاریخ جهانگشای نادری. کتابی دربارهٔ تاریخ دورهٔ نادری، به قلم میرزا مهدی خان استرآبادی. مؤلف خود نامی بر کتابش نهاده و تنها آن را «روزنامچهٔ ظفر» خوانده است (استرآبادی، ص ۲۹). احتمالاً این نام را به تقلید از «ظفر نامه

حرف «ذ» با همکاری دهخدا، و حرف «غ» با همکاری شهاب فردوس، حرف «ط» و بخشی از حرف «الف» (الف س-الف ص) را به عهده داشت و برای حرف «ی»، که قرار بود آن را تنظیم کند، مأخذ و برگه‌های بسیاری فراهم آورد و، در ضمن ترجمه مقدمه ابن خلدون، برخی از اعلام آن را برای لغتنامه یادداشت برداری کرد. پروین از ۱۳۴۵ ش تا پایان زندگی خود عضو هیئت مقابلهٔ لغتنامه بود (پروین گتابادی، «زندگی نامه خودنوشت»، ص ۷۷۵-۷۷۴؛ میرانصاری، ص ۲۱۵). پروین از اوآخر دهه بیست، ضمن همکاری باللغتنامه دهخدا، به بررسی کتابهای از جهت اصالت محتوا و درستی نگارش در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و در حدود دوازده سال و پیراستاری زبانی کتابهای دانشکده‌های علمی (فیزیک، علوم، پیشکشی) دانشگاه تهران را بر عهده داشت (همان، ص ۷۷۵-۷۷۶).

پروین، از اوآخر دهه چهل تا پایان عمر، با بنیاد فرهنگ ایران در زمینهٔ تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی همکاری داشت و سالها در بخش زبانهای خارجی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران، دانشسرای تربیت معلم، مدرسهٔ عالی آمار و دورهٔ فوق لیسانس پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران به تدریس مشغول بود (همان‌جا).

در هفتادمین سال تولد پروین، دوستان و شاگردان او به پاس پنجاه سال خدمات فرهنگی او، مجموعه‌ای شامل سی و دو گفتار در ایران‌شناسی، با عنوان جشن‌نامه پروین گتابادی، به او اهدا کردند. در ششم مهر ۱۳۵۵ ش، شورای دانشگاه تهران، به پاس خدمات ارزشمند او در زمینهٔ شناسایی و شناساندن متفکران ایرانی و اسلامی به او دکترای افتخاری در رشته الهیات و معارف اسلامی، اهدا کرد. برخی از آثار پروین گتابادی عبارت است از: ترجمه روح تربیت، اثر گوستاو لویون^۱ (مشهد، ۱۳۰۶ ش)، راهنمای مطالعه (۱۳۱۲ ش)، اندیشه‌ها (۱۳۱۳ ش)، سخن‌نامه (۱۳۱۵ ش)، فن مناظره (۱۳۱۵ ش)، دسته گل سوسن (۱۳۱۷ ش)، پسروش اراده (۱۳۱۷ ش)، شیوه نگارش (۱۳۱۷ ش)، هفت خوان رستم (۱۳۱۹ ش)، دستور زبان فارسی و خودآموز املاء و انشاء (۱۳۳۲ ش)، تصحیح مجدد تاریخ بلعمی مصحح ملک الشعراه بهار (۱۳۴۱ ش)، قواعد کلی عربی با همکاری یدالله شکری (۱۳۵۲ ش)، ترجمه بخشی از کتاب المشترک وضعیاً والمفترق صفعاً، اثر یاقوت حموی با عنوان برگزیده مشترک یاقوت حموی (تهران، ۱۳۴۷ ش)، بازیهای محلی (۱۳۵۵ ش)، تأثیف برخی کتابهای درسی دانشکده مکاتبه‌ای دانشگاه سپاهیان انقلاب و نشر بیش از سیصد مقاله در نشریات تهران و خراسان که تعدادی از آنها با عنوان «گزینه

شکستهای او سخنی به میان نمی‌آورد، نقش توده‌های مردم را در مبارزه با بیگانگان، از جمله افغانها و ترکان، نادیده می‌گیرد و رهابی کشور را از چنگ آنان یکسره مرهون نادر می‌داند. او سیاست اشغال‌گری و توسعه‌طلبی نادر را با مصلحت‌بینی توجیه می‌کند و در حالی که به شرح لشکرکشی او به هندوستان می‌پردازد، تمام بار مسئولیت را مستوجه محمدشاوه گورکانی می‌کند. از نظر او لشکرکشی نادر به آسیای میانه و داغستان اقدامی تدافعی و جنگهای او با دولت عثمانی از سر اشتیاقش به استقرار صلح پایدار میان اهل تسنن و تشیع و از بین بردن دشمنی دیرین میان ترک و فارس بوده است. استرآبادی از پرداختن به درد و رنج مردم آن روزگار خودداری کرده و جنبشهای آزادی طلبانه توده‌های مردم را حرکتی غیرقانونی، گستاخانه و توهین آمیز نسبت به حاکمیت شاه دانسته است (آرونوا و اشرافیان، ص ۶). افزون بر این، از سرسرختهای، زیاده‌طلبیها و کارهای ناپسند نادر چیزی نگفته است (از جمله نک: ریاحی، ص سی و دو) و حقیقی از وقایع را تحریف کرده است (آرونوا و اشرافیان، ص ۷). از این‌روست که از همان روزگار مؤلف، برخی بر او خردگر فته و کتابش را «بنابر مصلحت و هوای وقت و در نهایت خفت و ناهمواری و اختصار و غیرواقع» ارزیابی کرده‌اند (مرعشی صفوی، همان‌جا). با این‌همه، مؤلف در شرح وقایع سال آخر سلطنت نادر، که احتمالاً پس از مرگ او نوشته است، صراحت و روشنی بیشتری به کار برده و تا حدی جنبه‌های مختلف حوادث را بازگفته است (قدوسی، همان‌جا؛ نوابی، همان‌جا). گذشته از اینها، در این کتاب گزارش برخی از حوادث یا اصلًاً نیامده است، مانند کوششهای نادر به منظور تدارک نیروی دریایی در شمال و جنوب و چنگ او با شیطان پرستهای یزیدی در نزدیکی موصل، یا به «اختصار آمده است» مانند واقعه کور کردن رضاقلی میرزا، و اینها را می‌توان از کاستیهای کتاب دانست (انوار، ص هیجده - نوزده).

در آغاز شرح حوادث هر سال، اشاراتی به آن‌حوادث وجود دارد که به نوعی براعت استهلال است و خود حکایت از آن دارد که حوادث هر سال در همان سال به نگارش در نیامده و سال یا سالهای بعد به رشته تحریر کشیده شده است (انوار، ص شانزده - هفده).

سبک تاریخ جهانگشای نادری نمونه شاخص سبک نثر دوره بعد از صفویه است که ادامه روش مصنوع و متکلف مترسانان و مؤلفان قرون هفتم و هشتم ق، بهویژه و ضاف‌الحضره، است (صفا، ج ۳/۵، ص ۱۸۰۷) و در شیوه نثر تاریخ‌نویسان بعدی، مانند ابوالحسن گلستانه در مجلل التواریخ و میرزا صادق

تیموری» بسیاریده است (انوار، ص دوازده)، زیرا تیمور و پیروزیهایش سرمشق نادر بوده است (استرآبادی، همان‌جا). با این حال، در منابع مختلف از آن به «تاریخ نادری» (مرعشی صفوی، ص ۱؛ انوار، همان‌جا) و «نادرنامه» (مدرّس تبریزی، ج ۵، ص ۱۰۵؛ قدوسی، ص ۵۱۹) یاد کرده‌اند که بعدها به قیاس با کتاب تاریخ جهانگشای جسوینی، به «تاریخ جهانگشای نادری» تغییر نام و شهرت یافته است (نوایی، ص ۱۸۰). مطالب کتاب را می‌توان به سه بخش کلی تقسیم کرد:

۱. حوادث پیش از آشنایی نادر با شاه طهماسب؛ ۲. حوادث بعد از آشنایی نادر با شاه طهماسب تا هنگام کشته شدن نادر؛
۳. حوادث یک ساله بعد از مرگ نادر (انوار، ص هیجده).

بیشترین مطالب مربوط به وقایع دسته دوم است که مؤلف خود در اغلب آنها حاضر بوده و با تکیه بر مشاهدات خود آنها را به نگارش درآورده است، بنابراین، کتاب از منابع ممتاز و قابل اعتنا درباره وقایع ایران در نیمه اول قرن دوازدهم ق به شمار می‌رود.

کتاب از چگونگی پیروزی افغانها در دوران شاه سلطان حسین صفوی و تسخیر اصفهان به دست آنان آغاز می‌شود و با کوششهای نادر در شکست افغانه و استیلای او بر اصفهان و حرکت او به سوی خراسان و تاجگذاری در دشت مغان (در سال ۱۴۸۱ق) ادامه می‌یابد، و پس از ذکر پیروزیها و لشکرکشی‌ای نادر به مناطق مختلف، به مرگ او و حوادث یک ساله بعد از آن و جلوس ابراهیم‌خان در تبریز پس ایان می‌گیرد. بنابراین، موضوعات تاریخ جهانگشای نادری محدود است به شرح حوادث تاریخی ایران در فاصله سالهای ۱۱۶۱ تا ۱۱۶۱ق، که در آن چگونگی سقوط صفویه و روی کار آمدن نادرشاه تا برافتادن حکومت افشاریه پرداخته شده است. مؤلف آشکارا هدف از نوشن کتابش را ذکر «مجملی از مفصل افعال و کیفیت احوال و مملکت‌گیری و کشورستانی» نادر دانسته و شرح حوادث بعد از مرگ او را به وقتی دیگر موقول کرده است (استرآبادی، ص ۴۳۳).

اهمیت اساسی این کتاب در همراهی تقریباً همیشگی مؤلف با نادر و حضور او در بطن حوادث است. بنابراین، جزئیاتی در آن آمده است که در کمتر اثری از آثار آن دوره دیده می‌شود، بهویژه مطالب او درباره حوادث غرب کشور، نسبت به آثار همروزگار خود، برتری آشکار دارد (ریاحی، ص سی و سه). نویسنده عالم‌آرای نادری برخی از مطالب مجلد سوم خود را بعینه از آن نقل کرده است (همان، ص بیست و نه). در سراسر کتاب نوعی سرپرده‌گی به نادر دیده می‌شود. مؤلف همچو پیروزیها و موقعیتهای نادر را می‌ستاید، ولی از ناکامیها و

از دیرباز مورد توجه مستشرقان بوده است، چنان‌که در اواخر قرن هجدهم به زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی و گرجی ترجمه شده است (انوار، ص نوزده‌سبیست).

منابع: آرتو، م. ر. و اشرفیان، ک. ز.، دولت نادرشاه افشار، ترجمه حمید امین، تهران، ۱۳۵۶ش؛ استرآبادی، میرزا مهدی‌خان، تاریخ جهانگشای نادری، به کوشش عبدالله انوار، تهران، ۱۳۴۱ش؛ انوار، عبدالله، «مقدمه»، نک: استرآبادی؛ بهار، محمدتقی، سبک شناسی، تهران، ۱۳۸۲ش؛ پروین، نادر، «میرزا مهدی‌خان استرآبادی و تاریخ جهانگشای نادری»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شن ۸۷ و ۸۸، آذر و دی ۱۳۸۳ش؛ درایتی، مصطفی، فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، تهران، ۱۳۸۹ش؛ ریاحی، محمدامین، «مقدمه»، نک: مروی، محمدکاظمی؛ صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران (از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری)، تهران، ۱۳۷۰ش؛ قلوسی، محمدحسین، نادرنامه، مشهد، ۱۳۲۹ش؛ مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة‌الادب، تهران، ۱۳۷۴ش؛ مرعشی صفوی، میرزا محمدخلیل، مجمع‌التواریخ، به کوشش عباس‌اقبال، تهران، ۱۳۲۸ش؛ مروی، محمدکاظم، عالم‌آرای نادری، به کوشش محمدامین ریاحی، تهران، ۱۳۶۴ش؛ مشار، خانبابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، تهران، ۱۳۴۴ش؛ نوایی، عبدالحسین، نادرشاه و بازماندگانش (همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری)، تهران، ۱۳۶۸ش.

سلمان ساكت

تاریخ گیلان و دیلمستان

مرعشی، از قدیم‌ترین استناد تاریخی گیلان و از تاریخهای محلی، که به وقایع سالهای ۷۶۳ تا ۸۹۴ ق در شرق گیلان و مناطق تحت حاکمیت آل‌کیا پرداخته است.

اطلاع دقیقی از زمان تولد مؤلف در دست نیست. جز اینکه او در انتهای کتاب دیگر خود، به نام تاریخ طبرستان و رویان و مازندران^{*}، سِنْ خود را شصت و شش سال ذکر کرده است. با توجه به اینکه این کتاب در سال ۸۸۱ق تألیف شده است (همان‌جا)؛ تاریخ تولد او را می‌توان ۸۱۵ق دانست (قس: کسری، ص ۴۲، که، با استناد به بنچ ساله بودن او هنگام فرار پدرش به گیلان در سال ۸۲۲ق، تاریخ تولد او را ۸۱۷ق حدس زده است. مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۷۷). پدرش سید‌نصرالدین مرعشی (متوفی ۸۳۶ق)، والی ساری (همان، ص ۲۸۷)، و جد او سید‌قوام‌الدین مرعشی (متوفی ۷۸۱ق)، بنیانگذار سلسله سادات مرعشی بود. نسب پدری ایشان، با هفت واسطه، به حسن مرعشی ونسب او، با یک واسطه، به امام زین‌العابدین (ع) و نسب مادری او به آل باوند می‌رسد (همان، ص ۲۱۵؛ ستوده، ص کب، کج). برخی محل تولد سید‌ظہیر‌الدین را آمل دانسته‌اند (ستوده،

نامی در تاریخ گیتی‌گشا، تأثیر گذاشته است (انوار، ص نوزده؛ پروین، ص ۸۲). این اثر که از نظر پختگی و به کارگیری صنایع مختلف در خور توجه است (بهار، ج ۳، ص ۳۱۰)، در مقایسه با دیگر آثار میرزا مهدی‌خان، به ویژه در نادره، نثری معادل دارد و در آن بازی با کلمات کمتر مزاحم بیان معنی شده است (انوار، ص دوازده). با این حال، به کارگیری صنایع مختلف، مانند جناس، تضاد، ایهام، ترصیع، موازن، ازدواج، حسن تعلیل و جز اینها و استفاده از شعر شاعرانی چون حافظ، نظامی و هائف اصفهانی صبغه ادبی ویژه‌ای به کتاب بخشیده است (پروین، ص ۸۱)، کلمات به کار رفته در کتاب به اندازه کلمات در نادره مهجور و نامأнос نیست، ولی کلمات عربی و به ویژه ترکی و مغولی در آن بسیار است.

نثر کتاب از نظر دستوری و نحوی نقایصی دارد که اهم آنها عبارت‌اند از: ۱. حذف افعال در جمله‌ها بدون وجود هیچ‌گونه قرینه‌ای («واز طرف شاه طهماسب، جمعی به دفع روئیه مأمور گشته، در رشت تلاقی فریفین واقع، و قزلباشیه شکست یافته فرار، و روئیه رشت و کهدم را تصرف، و بدون منازع و شهیم، دو سال در آن نواحی به ضبط و اخذ و عمل وجوهات دیوانی پرداختند»، استرآبادی، ص ۱۵)؛ ۲. به کار بردن ضمیر «آن» در اشاره به ذوق‌الراوح؛ ۳. مطابقت دادن صفت و موصوف از نظر تأثیث و تذکیر؛ ۴. آوردن صبغه وصفی به جای ماضی تقلی و بعید که گاه مخل معنی است (بهار، ج ۳، ص ۳۱۲؛ انوار، ص چهارده شانزده).

از تاریخ جهانگشای نادری نسخه متعددی در ایران و جهان وجود دارد (برای آگاهی از آنها، از جمله نک: درایتی، ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۱) که استحصالی کامل آنها بسیار دشوار است و این خود نشان‌دهنده اقبال مردم به این کتاب است. این اقبال و توجه به حدی بوده است که نسخه مذهب و مصوّری از کتاب فراهم آمده است؛ شاخص‌ترین آنها نسخه مورخ ۱۱۷۱ق است که با مقدمه عبدالعلی ادیب برومند در سال ۱۳۷۰ش به صورت عکسی (فاکسیمیله) به چاپ رسیده است. در شماری از دستنویسهای کتاب، خاتمه‌ای به تاریخ ۱۱۷۱ق و به نام محمد‌حسن خان، رئیس ایل قاجار، آمده که انتساب آن به میرزا مهدی‌خان مورد تردید است (صفا، همان‌جا).

این کتاب بارها در تهران و تبریز و بمیثی به صورهای سنگی و حروفی به چاپ رسیده است (مشار، ج ۶، ص ۴۴۷). بهترین آنها چاپی است که در سال ۱۳۴۱ش، به کوشش عبدالله انوار و براساس سه نسخه خطی و بنچ نسخه چاپی، در سلسله انتشارات انجمن آثار ملی منتشر شده است.

این کتاب، به سبب اهمیتی که در شناخت دوره نادری دارد،